

تاثیر حقوق نرم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات*

سید محسن سجادی**

کارشناسی ارشد دیپلماسی صلح و امنیت و حقوق بشر دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

چکیده

حقوق نرم برخلاف حقوق سخت که دارای الزامات حقوقی و بر اساس اصول معاهداتی است، بر نرم‌ها و هنجارهایی که دارای الزام‌آوری حقوقی نبوده و یا کمترین میزان از الزام‌آوری را دارا باشند استوار است و برعکس حقوق سخت دارای رویه‌های حل‌وفصل اختلافات نیز نیستند؛ زیرا اصل بر داوطلبانه بودن و اختیاری بودن اسناد برآمده از حقوق نرم است. در نتیجه این حقوق با شیوه‌ای که کمترین میزان حساسیت دولت‌های دارای حاکمیت را بر می‌انگیزاند حرکت نموده و در درازمدت به رویه و پس از آن به قواعدی تبدیل می‌شود که تخطی از آنها نه‌تنها مجاز نیست که با الزامات و مجازات‌هایی همراه می‌شود و در اینجا شاهد حقوق سخت می‌شویم. در این میان از جمله مواردی که در عرصه روابط بین‌الملل بر بنیان حقوق نرم شکل گرفته و استوار هستند رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات می‌باشند. در نتیجه تاثیرگذاری این چنین رژیم‌های برآمده از حقوق نرم بسیار بیشتر از رژیم‌های خلع سلاحی و کنترل تسلیحاتی حقوق سخت است. بنابراین این پژوهش به‌دنبال بررسی تاثیر حقوق نرم در قالب‌های مختلف در روابط بین‌الملل از جمله تاثیر این حقوق در قالب رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

کلید واژه‌ها

حقوق نرم، حقوق سخت، رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

* مقاله مستخرج از پایان‌نامه.

** Email: sajadi.seyedmohsen@yahoo.com.

اگرچه مفهوم حقوق نرم¹ برای سال‌ها وجود داشته است اما پس از آن که روند تصویب اسناد غیر الزام‌آور تحت عنوان حقوق نرم از اوایل دهه 80 میلادی به یک مکانیسم تبدیل شد (Lele, 2012: 37)؛ استفاده از واژه‌های حقوق نرم و حقوق سخت² در جهان علمی امروزی، مورد توجه و علاقه محققان قرار گرفت. البته باید یک ارزیابی نسبی از نقاط قوت و ضعف حقوق سخت و نرم به‌عنوان جایگزینی برای حکومت بین‌المللی و همچنین عاملی برای تقویت و افزایش همکاری‌های بین‌المللی (Shaffer & Pollack, 2011: 1147) و یا عاملی در جهت تضعیف امنیت کشورها صورت گیرد. از آن‌جا که برخی از رژیم‌هایی که ایران در آنها عضویت داشته و یا در پی پیوستن به آن است، دارای ویژگی حقوق نرمی هستند و به‌دلیل این‌که این رژیم‌ها بر نرم‌های³ اخلاقی بیشتر از ضمانت اجرای ملموس تأکید می‌کنند؛ می‌توان بحث حقوق نرم را قابل اهمیت دانست. توجه به این نکته ضروری است که اکثر رژیم‌ها همچون رژیم‌های حقوق بشری و خلع سلاحی و کنترل صادراتی با تبعیت از حقوق نرم و گاهی خارج از چارچوب‌های مشخص (به‌عنوان مثال شکل‌گیری کد لاهه HCOC⁴ که خارج از ملل متحد شکل گرفت) ایجاد و تقویت شده‌اند و مثال بارز آن سازمان امنیت و همکاری اتحادیه اروپا (OSCE)⁵ می‌باشد (Grand, 2013: 8).

شاید این سؤال مطرح شود که چرا رژیم‌هایی از این دست بر پایه حقوق نرم که دارای الزام‌آوری حقوقی⁶ نبوده و برای اجرا از ابزار الزام‌آوری و اجبار برخوردار نیستند، شکل می‌گیرند؟ پاسخ به این سؤال را می‌توان در سیاست‌های اتحادیه اروپا در قبال فضا پیدا کرد. بر اساس عقیده محققان اتحادیه، ماهیت داوطلبانه و غیر الزام‌آوری مواد کد لاهه (کردارنامه) نه تنها ضعف این رژیم به حساب نمی‌آید که برعکس، نشانه قدرت آن محسوب می‌شود. بر این اساس، بهترین شیوه برای تقاضای رفتاری مسئولانه از دولت‌ها، فشار اخلاقی ناشی از حقوق نرم است و این دقیقاً تأثیر مثبتی بر تضمین ثبات در فضا خواهد داشت و علت موفقیت کد لاهه از نظر ایشان دقیقاً توجه به همین نکته است و نشانه موفقیت کد لاهه را در عضویت بیش از 130 کشور فعال در زمینه موشکی می‌داند که پشتوانه حقوق نرمی است که در بطن این توافق سیاسی وجود دارد⁷ (Lele, 2012: x). بنابراین یکی از موارد کنونی که ایران باید مورد توجه بیشتری قرار دهد اهمیت روزافزون حقوق نرم در جهان امروزی و در حقوق بین‌الملل، در کنار حقوق سخت معاهداتی است. در نتیجه هدف این پژوهش بررسی تأثیر حقوق نرم بر امنیت جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای ایران در مواجهه و مقابله با این پدیده نو ظهور است.

توجه به این نکته مهم به‌نظر می‌رسد که زمانی که از تأثیر حقوق نرم بر امنیت ایران سخن به‌میان می‌آید صرفاً بعد منفی قضیه را در بر نمی‌گیرد بلکه در برخی زمینه‌ها ایران می‌تواند از طریق حقوق نرم در پی افزایش امنیت خود برآمده و به‌صورت بازیگری فعال در این عرصه تازه پا به میدان گذارد. بر این اساس سامان پژوهش به این‌گونه می‌باشد که پس

- 1- Soft law.
- 2- Hard law.
- 3- Norm.
- 4- the Hague Code of Conduct against Ballistic Missiles Proliferation (HCoC).
- 5- the Organization for Security and Cooperation in Europe (OSCE).
- 6- Non Legally-Binding.

7- در اینجا اگرچه حقوق نرم با یک معاهده از نظر قدرت الزام‌آوری قابل مقایسه نیست، اما هنگامی که کشوری برخلاف یک عمل که به‌طور گسترده‌ای مورد پذیرش بین‌المللی قرار گرفته است عمل کند، با فشار جامعه بین‌المللی مواجه شده و نیاز به توجیه عمل خود پیدا می‌کند و این همان شرط اجرای حقوق نرم می‌شود [که بر گرفته از عرف و عمل اخلاقی می‌باشد] (Lele, 2012: 121).

از بیان زمینه شکل‌گیری حقوق نرم و کارکردهای مختلف آن، به کاربرد حقوق نرم در رژیم‌های مختلف هم‌چون رژیم‌های حقوق بشری و کنترل صادراتی اشاره شده و در نهایت با ارائه راهکارهایی به نتیجه‌گیری بحث پرداخته می‌شود.

مبحث اول: حقوق نرم و اهمیت آن

گفتار اول: مفهوم حقوق نرم

اگرچه نقش حقوق نرم در ادبیات روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل افزایش یافته است، هیچ توافقی واقعی در معنی حقوق نرم وجود ندارد حتی بر سر اینکه آیا حقوق نرم واقعاً «حقوق» است نیز بحث‌های فراوانی صورت گرفته است (Trubek policy approaches, 2005: 6). اما توجه به این نکته ضروری است که حقوق نرم را معمولاً در مقابل حقوق سخت می‌توان شناخت. برای حقوق سخت شاید این تعریف مناسب باشد که «حقوق سخت عبارت است از قوانینی الزام‌آور که با ایجاد تعهدات قطعی لزوم اجرای آن‌را از طریق اقدامات بازدارنده و هم‌چنین روش حل اختلافات تأکید می‌کند» (Jiang, 2009: 2).

بنابراین پیدا کردن یک تعریف مناسب برای واژه حقوق نرم دشوار است و موضوع بحث بسیاری بین کسانی است که وجود چنین حقوق را انکار کرده و کسانی که آن‌را به‌عنوان یک منبع شبه حقوقی جدید در حقوق بین‌الملل مورد شناسایی قرار می‌دهند. با این حال می‌توان در تعریف ابتدایی به‌طور خلاصه بیان داشت که حقوق نرم «مقررات هنجاری موجود در متون غیر الزام‌آور است» و با وجود مخالفت‌های گوناگون از سوی حقوق‌دانان مخصوصاً پوزیتیویست‌ها، حقوق نرم به‌عنوان یک منبع جدید در حقوق بین‌الملل شناخته شد (oxfordbibliographies, 2016) که بدون این حقوق نرم و نرمی² ذاتی آن، قانون جهانی³ به‌سختی می‌تواند رو به جلو حرکت کرده و به پیشرفت خود ادامه دهد (Zerilli, 2010: 7).

جدای از اینکه چه کسی ابتدا لفظ حقوق نرم را مورد استفاده قرار داده است⁴؛ حقوق نرم شکلی تازه از قانون‌گذاری بین‌المللی است که در معنای خاص خود از منظر حقوقی الزام‌آور نیست و اصول، سیاست‌ها، هنجارها و قواعدی است که با هدف تغییر و اصلاح رفتار تابعان⁵ حقوق بین‌الملل یا اعلام رفتار مطلوب در جامعه بین‌المللی و در یک فرآیند همکاری بین‌المللی، میان مقام‌های عمومی یا ترکیبی از مقام‌های عمومی و خصوصی مذاکره و تصویب می‌شود. برون‌داد نهایی چنین همکاری می‌بایست در یکی از صورت‌های تازه قانون‌گذاری بین‌المللی مانند اعلامیه⁶، بیانیه⁷، برنامه اقدام⁸، اصول راهنما⁹، کردارنامه¹⁰ و مانند آن¹ و بر اساس آیین شکلی و تشریفاتی که مذاکره‌کنندگان بر سر آن توافق دارند، حاصل شده باشد (شاکیان، 1392: 24).

1- Non-binding.

2- Softness.

3- Global law.

4- برخی وضع عبارت حقوق نرم را به لرد مک نرنسبت داده‌اند (شاکیان، 1392: 18).

5- Actor.

6- Declaration.

7- Statement.

8- Plane of Action.

9- Guidelines for Implementation.

10- Code of Conduct (البته در این متن برای کردارنامه لاهه مربوط به موشک‌های بالستیک، خود واژه «کد» به‌کار رفته است)

قوانین حقوق نرم شبه قانون² می‌باشند که به‌سادگی مصادره به مطلوب می‌شود و این باعث ابهام و البته دشواری در ارائه یک تعریف واضح و بی‌ابهام از حقوق نرم توسط پژوهشگران حقوق بین‌الملل شده است. بنابر این در تعریف حقوق نرم اغلب این‌گونه بیان می‌دارند که: حقوق نرم نصیحتی است فارغ از الزام قانونی و تعهدات الزام‌آور (Guzman & Meyer, 2010: 172) و دقیقاً به‌همین دلیل حقوق نرم بر ترویج فضای رفتار مسئول [مسئولیت‌پذیری] مؤثر بوده و از این عامل در جهت تقویت و قدرت الزام و اجرای خود استفاده می‌کند (Lele, 2012: x). تعدادی از مکانیسم‌های اجرای حقوق نرم مانند شرمندگی³، انطباق⁴، ترغیب⁵، منافع شخصی⁶، فرصت⁷ و یا ترس مؤثر بوده و از این منظر قوانین نرم یا غیر الزام‌آور می‌تواند به‌عنوان قواعد الزام‌آور شناسایی شود و دقیقاً به‌همین دلیل است که برای حقوق نرم از واژه «اجبار غیر الزام‌آور»⁸ استفاده می‌شود (Zerilli, 2010: 5-6).

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز حقوق نرم از منابع سنتی حقوق بین‌الملل ویژگی غیر الزام‌آور بودن آن است. هنگامی که سخن از الزام حقوقی می‌شود مجموعه‌ای از ضمانت اجراهای حقوق بین‌الملل در نظر می‌آید که اجرای قواعد حقوقی را حمایت می‌کند، به‌گونه‌ای که تابعان حقوق بین‌الملل اطمینان یابند که نقض چنان قواعدی بی‌پاسخ نخواهد ماند (شاکیان، 1392: 15). این یک اصل در حقوق نرم است؛ حقوق نرم اساساً اقتدار خود را از تعداد و اعتبار کشورها کسب می‌کند و اگر کشوری تصمیم گیرد که دیگر به اجرای توافق‌نامه نباشد، نمی‌توان با تحریم رسمی مجازات کرد؛ بلکه بر اساس اعتبار⁹ آن کشور مجازات صورت می‌گیرد (Zerilli, 2010: 5).

یکی دیگر از عواملی که به شناخت و تمیز حقوق نرم از حقوق سخت یا سایر منابع حقوق بین‌الملل کمک می‌کند، بحث حاکمیت و تراضی دولت‌ها است. بدان معنا که هرگاه حقوق بین‌الملل برای تدبیر زیست بین‌المللی به مانع حاکمیت دولت‌ها و تراضی آنها و یا موانعی ناگزیر مانند ابهام و عدم قطعیت از آینده بر می‌خورد، ... حقوق نرم به‌عنوان یک راه میانه در قالب و چارچوبی نو برای قانون‌گذاری بین‌المللی خود را نمایان می‌کند (شاکیان، 1392: 45).

گفتار دوم: اهمیت حقوق نرم

چرا کشورها از حقوق نرم استفاده می‌کنند؟ این سوال به ذات حقوق نرم بر می‌گردد که ضمن توجه به حساسیت دولت‌ها نسبت به حاکمیت خود، استقلال و رضایت دولت‌ها را مدنظر قرار داده و دولت‌ها با تراضی و به‌صورت داوطلبانه و از روی اختیار به عضویت رژیم‌های حقوق نرمی در می‌آیند.

1- یکی از وجوه تمیز حقوق نرم در اشکال مورد اشاره شده آن از معاهدات، نقش عنصر قصد و نیت است. بدین معنی که اطلاق لفظ معاهده در تعیین ماهیت آن تأثیری ندارد (شاکیان، 1392: 182).

- 2- Quasi-Legal.
- 3- shaming.
- 4- conformity.
- 5- persuasion.
- 6- self-interest.
- 7- opportunity.
- 8- Non-binding Coercions.
- 9- Reputation.

در این زمینه دلایلی را با عنوان دلایل چهارگانه رغبت و استفاده کشورها از حقوق نرم بیان نموده‌اند که در ادامه بررسی می‌شوند:

اولاً، دولت‌ها ممکن است حقوق نرم را یک راه‌حل ساده برای رسیدن به یک نقطه قانونی مورد انطباق در همکاری‌ها بدانند؛

ثانیاً، اگرچه حقوق نرم در حال حرکت به سمت حقوق سخت است، اما دولت‌ها برای جلوگیری از دادن هزینه بیشتر به سمت استفاده از این حقوق گام بر می‌دارند؛

ثالثاً، بر اساس نظریه نمایندگی¹، دولت‌ها به این دلیل حقوق نرم را انتخاب می‌کنند زیرا از نامشخص بودن قوانینی که امروز اتخاذ می‌کنند ترس دارند که آیا فردا مطلوب این‌ها خواهد بود. به عبارتی هنگام استفاده از حقوق نرم می‌توانند در آینده به نفع خود یک حالت خاص در نظر گرفته و انتظارات را در صورت تغییر شرایط تغییر دهند. به همین دلیل حرکت از حقوق سخت به حقوق نرم برای چنین کشورهایی که در آینده به نفع قوانین یا تفسیر کارآمد از آن فکر می‌کنند آسان‌تر است؛

رابعاً و در نهایت، بر اساس مفهوم قانون مشترک بین‌المللی (ICL)²، که یک تفسیر غیر الزام‌آور است که در نهادهای بین‌المللی چون دادگاه‌های بین‌المللی، می‌توان گاهی به جز توجه به قوانین الزام‌آور و طرفین اختلاف حکم کرد. بنابراین ICL یک فرصت برای تعمیق همکاری در ازای نادیده انگاشتن برخی قواعد حقوقی فراهم نموده است (Guzman & Meyer, 2010: 171).

مبحث دوم: حقوق نرم و حقوق سخت

رابطه بین حقوق نرم و سخت به‌گونه‌ای است که یک مجموعه از رژیم‌ها می‌تواند در برخی از موارد تابع حقوق نرم باشد و در برخی موارد حقوق سخت بر آن بار شود. بنابراین حقوق سخت که بیشتر بر وجه الزام‌آوری و اجبار تاکید می‌کند و در منابع سنتی حقوق بین‌الملل هم‌چون معاهدات و قطعنامه‌های الزام‌آور خود را نشان می‌دهد، در اینجا در مقابل حقوق نرم که با مسامحه می‌توان حقوق غیر الزام‌آور خواند و جزو منابع نوین حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود؛ تعریف و تبیین می‌شود که البته این خود خالی از اشکال نیست. زیرا از نظر این پژوهش حقوق نرم و حقوق سخت هر دو وجهی از حقوق بین‌الملل و به عبارتی روابط بین قدرت‌ها و دولت‌ها را به نمایش می‌گذارند که با وجود هم کامل بوده و به شکل‌دهی رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌الملل کمک می‌کند و در این زمینه حقوق نرم به دلیل وجه غیر الزام‌آور خود با استقبال دولت‌ها روبه‌رو شده و با فراهم کردن آزادی عمل بیشتر برای آنها، امکان موفقیت این حقوق را افزایش می‌دهند.

در نتیجه در بین رژیم‌های حقوق بشری و کنترل صادراتی، برخی با استقبال بیشتری روبه‌رو شده و دولت‌ها به دلیل احساس حفظ حاکمیت و البته عضویت اختیاری و داوطلبانه هم‌زمان با عضویت در این گونه رژیم‌ها رغبت بیشتری به عضویت در آنها نشان می‌دهند که مثال بارز در این زمینه کد لاهه می‌باشد.

شاید بتوان معیارهای تعریف حقوق نرم و سخت را در جدول زیر نشان داد:

1- the delegation theory.
2- International Common Law.

جدول 1-1

نوع هنجار	نوع تعهد	ماهیت مکانیسم اجرای
حقوق سخت	تعهد سخت	اجرای سخت
حقوق نرم	تعهد سخت	اجرای نرم
		بدون اجرا
	تعهد نرم	اجرای سخت
		اجرای نرم
		بدون اجرا
بدون تعهد	اجرای نرم	
هنجارهای به جز (غیر) قانون	بدون تعهد	بدون اجرا

(Source: Terpan, 2014: 14)

دولت‌ها به دلیل ترس از عدم اجرای برخی مواد توافق شده در آینده توسط دیگران و یا برخورد داشتن با منافع آنها در آینده نزدیک، حاضر به قبول الزامات قانونی و حقوقی (حقوق سخت) نیستند اما اجرای حقوق نرم را به مکانیسم‌هایی چون شرمندگی، ترغیب، ایجاد فرصت و امثال این واگذار می‌کنند. از این منظر حقوق نرم یا غیر الزام‌آور می‌تواند به‌عنوان قواعد الزام‌آور مورد توافق مطرح شود و اینجا است که ترکیب متناقض «اجبار غیر الزام‌آور»¹ خود نمایی می‌کند (Zerilli, 2010: 5).

در انتها می‌توان در یک مقایسه تطبیقی بین حقوق نرم و حقوق سخت، دست‌کم هفت دلیلی که می‌تواند نشان دهد حقوق نرم در برخی شرایط بهتر از حقوق سخت عمل می‌کند را بیان داشت:

هزینه پایین‌تر توافق²: زمانی که موضوع مورد بحث و مذاکره پیچیده و مورد اختلاف باشد هزینه‌های چانه‌زنی و ترس از آینده بالا می‌رود، حقوق نرم در این زمان مناسب‌تر است زیرا هنجارهای غیر الزام‌آور آن به کاهش خطر درگیری مذاکره کنندگان در طول مذاکره کمک می‌کند؛

هزینه‌های حاکمیتی کمتر³: توافقات دارای الزامات قانونی شامل هزینه‌هایی برای کشورهای عضو می‌باشد از جمله از دست دادن قدرت تصمیم‌گیری در مورد موضوعی خاص و کاهش حاکمیت. حقوق نرم ضمن ترویج همکاری، حق حاکمیت را هم حفظ می‌کند.

مقابله با تنوع⁴: حقوق نرم اجازه می‌دهد تا دولت‌ها به انطباق تعهدات خود با موقعیت‌های خاص خود دست بزنند به‌جای تلاش برای ایجاد شرایط ملی واگرا در یک متن سیاسی واحد. بدین معنی که می‌توان از حقوق نرم برای خروج مذاکره از بن‌بست و شکست در جایی که به‌دلیل نابرابری در ثروت، قدرت و منافع حاصل از توافق، اتصالات ناممکن است از طریق

1- Non-Binding Coercions.
2- Lower contracting costs.
3- Lower sovereignty costs.
4- Coping with diversity.

جایگزینی و استفاده از زبان «نرم» مانند «اقدامات مناسب»¹، «بهترین تلاش»²، «تا آن جا که ممکن است»³ و یا «با در نظر گرفتن دستیابی تدریجی»⁴، به حصول توافق کمک کرد.

انعطاف‌پذیری⁵: اسناد حقوقی غیر الزام‌آور انعطاف‌پذیری بیشتری برای مذاکرات مجدد یا تغییر توافقات اجازه می‌دهد و این می‌تواند سیستم‌های حقوقی متنوع را تطبیق نماید.

سادگی و سرعت: حقوق نرم باعث می‌شود رسیدن به یک توافق با سرعت بیشتری صورت گیرد و باعث جلوگیری از تصویب و دیگر روش‌های دست و پاگیر داخلی می‌شود.

مشارکت⁶: حقوق نرم در اصل اجازه ادغام سلايق تمام اشخاص را در روند قانون‌گذاری فراملی فراهم می‌کند. علاوه بر این، این باز بودن حضور بازیگران غیر دولتی همراه با شفافیت، افزایش تنظیم دستور کار و تسهیل انتشار دانش را اجازه می‌دهد.

فزون‌گرایی تدریجی: حقوق نرم هم‌چنین می‌تواند اولین گام در مسیر دستیابی به توافق قانونی الزام‌آور یا حقوق سخت را نشان دهد (Trubek et. AL, 2005: 11-12).

از این منظر حقوق نرم در پی دستیابی به اهداف هنجاری از طریق کاهش هزینه‌های همکاری و تسهیل فرآیند چانه‌زنی و رسیدن به یک توافق در مدت زمان طولانی است. اگر چه به‌دلیل نرم بودن شاید قدرت حقوق سخت را نداشته باشد؛ اما همکاری را از این طریق ممکن می‌کند.

مبحث سوم: حقوق نرم و رژیم‌های کنترل صادراتی

رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات از جمله ابزارهای جلوگیری از گسترش سلاح‌های انهدام جمعی بوده‌اند که از دهه 80 میلادی رو به تزاید گذاشتند. این رژیم‌ها به‌عنوان مقابله با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و حفظ امنیت بین‌المللی در حوزه‌های مختلف ایجاد شده‌اند و کشورهایی را هدف قرار می‌دهند (دهقانی؛ هاشمی، 1392: 103). به‌دلیل آنکه ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های مندرج در این نوع رژیم‌ها به‌طور مستقیم بر امنیت ملی کشورها تأثیر گذاشته و بر حاکمیت آنها محدودیت وارد می‌کند، دولت‌ها از عضویت در این رژیم‌ها به‌عنوان یک رژیم الزام‌آور حقوقی با تبعات خاص واهمه داشته و سعی می‌کنند در این گونه موارد کمترین تعهدات را پذیرفته و حاکمیت خود را در این زمینه که مربوط به امنیت ملی خود می‌دانند محدود نکنند؛ بنابراین به‌دلیل وجود این ترس نمی‌توان به یک اجماع یا اتفاق در این موارد دست یافت مگر آنکه پای موارد هنجاری و مسولیت فردی در میان باشد که تبلور آن در حقوق نرم است.

بدین معنی که چون در ذات حقوق نرم الزام‌آوری حقوقی وجود ندارد و به ظاهر به‌عنوان یک اصل در نظر گرفته شده است؛ دولت‌ها راحت‌تر تن به این گونه رژیم‌ها داده و عضویت در آن را مانع حاکمیت یا امنیت خود نمی‌دانند؛ اگر چه این خیال باطلی بوده و این رژیم‌ها مقدمه و رویه تشکیل رژیم‌های با الزام حقوقی را در پی داشته و در اصل از حقوق نرم به‌سمت حقوق سخت پیش می‌رود. اما به‌هر حال، برای دستیابی به یک اجماع در زمینه محدود کردن صادرات برخی

- 1- Appropriate measures.
- 2- Best efforts.
- 3- as far as possible.
- 4- with a view toward achieving progressively.
- 5- Flexibility.
- 6- Participation.

اقدام خاص و دو منظوره رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات بر اساس حقوق نرم تدوین و تشکیل شده و به دنبال اجرای مفاد خود بدون تحمیل الزام حقوقی یا با استفاده از تحریم‌های یک جانبه می‌باشند.

با توجه به اینکه حقوق نرم در پی ایجاد هماهنگی و سازماندهی فعالیت‌های بین‌المللی است و به جای این که انرژی بسیار گذاشته شود تا یک معاهده ایجاد گردد (KLOCK, 2013: 823)، می‌توان به وسیله ترویج حقوق نرم و ابزارهای این نوع حقوق، مقرراتی را تدوین و وضع کرد که ضمن داشتن کمترین حساسیت، دولت‌ها با میل و اراده بیشتری تشویق به پذیرش این نوع رژیم‌ها شوند.

در زمینه رژیم‌های کنترل تسلیحات و کنترل صادرات، حقوق نرم ابزاری مناسب و سودمند است زیرا دولت‌ها از الزامات قانونی داخلی هم چون نیاز به تصویب و همچنین اجتناب از مغایرت با قانون اساسی بی‌نیاز می‌کند و در نتیجه اجرای آن آسان تر می‌شود؛ یکی دیگر از مزیت‌های آن همین غیر الزام‌آوری است که بر ترس دولت‌ها از آینده غلبه کرده و مانع اجرای رژیم‌های کنترل صادرات نمی‌شود و تا کنون در چند رژیم کنترل صادراتی به طور موفقیت‌آمیزی حقوق نرم پیاده شده است. از جمله در گروه تأمین کنندگان هسته‌ای، رژیم کنترل فناوری موشکی، گروه استرالیا، ترتیبات واسنار و هلسینکی (Williamson Jr, 2003: 63-67).

نکته قابل توجه اینکه در حقوق بین‌الملل، گاهی قوانین غیر الزام‌آور عملکرد موثرتری نسبت به قوانین رسمی که از نظر قانونی الزام‌آور هستند دارند. این قوانین غیر الزام‌آور یا حقوق نرم در حال حاضر نقش بسیار مهمی در زمینه کنترل تسلیحات و صادرات آن در جهان امروز و چشم‌انداز آینده دارند. زیرا حقوق نرم به تدریج اهمیت حاکمیت و استقلال را در نسبت با موضوعات حکومت جهانی هم چون حفظ محیط زیست جهانی، تروریسم بین‌المللی و مسائل کنترل صادراتی از دست داده و کاهش می‌دهد (Aoki, 2006: 11).

بنابراین عجیب نیست که دولت‌ها دچار یک دور آشفته و با تعارضی خود ساخته روبه‌رو می‌شوند. بدین معنی که آنها به این دلیل به سمت رژیم‌های کنترل صادراتی پیش می‌روند که از بحث‌های حاکمیتی فرار کرده و بتوانند استقلال و حاکمیت خود را حفظ کنند و در صورت احساس خطر امکان تخلف از مواد مندرج شده یا حتی موارد نانوخته در رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات را داشته بدون این که با مجازات‌های خاص و حقوقی روبه‌رو باشند و بنابراین با یک اطمینان از امکان تخلف در آینده در صورت احساس به خطر افتادن امنیت ملی خود پا به عرصه تدوین این گونه رژیم‌ها می‌گذارند؛ اما همان گونه که در بالا اشاره شد این خود زمینه ایجاد یک رویه هماهنگ را فراهم نموده که حقوق نرم به تدریج و با نرمی هر چه تمام‌تر حاکمیت و استقلال دولت‌ها بدون اینکه حساسی این دولت‌ها برانگیخته شود را با تحلیل روبه‌رو می‌کند و به جایی می‌رسد که رژیمی که در ابتدا امکان تخلف به صورت نا نوشته جزو اصول اصلی آن بود و دولت‌ها با این پیش فرض اقدام به تدوین آن کرده بودند؛ اکنون خود امکان تخلف از این رژیم را به دلیل بحث‌های حیثیتی و حتی به طور پیشرفته‌تر به دلیل موانع قانونی (تبدیل شدن به حقوق سخت) را ندارند و مجبور به هماهنگ کردن قوانین ملی خود مربوط به صادرات تکنولوژی‌های مورد ممنوعیت یا محدودیت در رژیم‌های خاص با این گونه رژیم‌ها می‌شوند.

در نتیجه رابطه بین رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات و حقوق نرم طبق نظر منطقیون عموم و خصوص (عام و خاص) مطلق است بدین معنی که هر رژیم کنترل صادراتی در مجموعه حقوق نرم دسته‌بندی می‌شود و می‌توان هر رژیم چند جانبه کنترل صادراتی از جمله برخی از مهم‌ترین رژیم‌هایی که در این پژوهش بدان اشاره می‌شود را جزو حقوق نرم

به حساب آورد که در حقیقت هم، چنین است؛ اما حقوق نرم صرفاً شامل این گونه رژیم‌ها نمی‌شود و موارد بسیار بیشتری را در سایر حوزه‌ها در بر می‌گیرد.

برای اینکه بتوان درک بهتری از تاثیر و تاثیر و رابطه بین حقوق نرم و رژیم‌های چند جانبه کنترل صادراتی داشت در ادامه به بررسی یکی از رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات و ارتباط آن با حقوق نرم پرداخته می‌شود.

رژیم کنترل فناوری موشکی به مثابه حقوق نرم

همان‌طور که تا کنون مشخص شده است بر اساس آن که حقوق نرم بیشترین تأکیدش بر مسئولیت فردی بوده و اخلاق پایه است و از طرفی تصمیم به صادرات اقلام و تجهیزات مندرج در رژیم کنترل فناوری موشکی تنها و تنها مسؤولیت شخصی هر یک از اعضا بوده و به هیچ‌وجه جریمه برای اقلام کنترل شده در متن پیش‌بینی نشده و بر اعضا بار نمی‌شود (Eilstrup & Anni, 2007: 15)؛ رژیم کنترل فناوری موشکی رژیمی تحت حقوق نرم بوده و باید در مواجهه با آن بر این اساس قضاوت کرد. از سوی دیگر بر اساس کارکرد حقوق نرم که در پی محدود کردن تراضی دولت‌ها اما نه آن‌چنان پر رنگ هم‌چون معاهدات است، همین امر باعث می‌شود که حقوق نرم راهی برای گشایش بر مشکل تراضی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل تلقی شده و این بعد از حقوق نرم مورد توجه بیشتر واقع شود و دقیقاً در هنگامی که رسیدن به تراضی میان دولت‌های گوناگون ممکن نیست، حقوق نرم می‌تواند میان الزام حقوقی و پایبندی فاصله انداخته و راهی برای رسیدن به اجماع یا اتفاق بین‌المللی باز شود (شاکریان، 1392: 160) و رژیم کنترل فناوری موشکی یکی از این دست است. رژیم کنترل فناوری موشکی که در تمامی متون تفسیری از این رژیم، رژیمی داوطلبانه¹ و غیر الزام‌آور تلقی شده، بر پایه سخنان بالا مشخص می‌شود که در زیرمجموعه حقوق نرم به‌شمار می‌رود. این رژیم که در پی محدود کردن خطر گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است، به دلیل حساسیت بالای موضوع در بحث‌های امنیت ملی و دشواری در دستیابی به یک اجماع و توافق بین‌المللی در زمینه کنترل موشک، در قالب حقوق نرم و غیر الزام‌آور تدوین گشته است تا رسیدن به یک توافق در این زمینه با سهولت بیشتری امکان‌پذیر شده و البته دولت‌ها بتوانند از هزینه‌های احتمالی به دلیل عدم رایت قوانین رژیم فرار کنند.

رژیم کنترل فناوری موشکی یک رژیم خویشتندارانه یعنی مبتنی بر هماهنگی و هماهنگ‌سازی نظام‌های مهار صادرات موشک است که دولت‌های عضو آن از ابتدا در پی تدوین سندی حقوقی نبودند. دولت‌ها به دلیل این که امکان تراضی درباره حصول یک سند حقوقی الزام‌آور در مسائل امنیتی و استراتژیک را ناممکن می‌دانند؛ از ابتدا در پی تنظیم روابط میان خود بر پایه حقوق نرم بر می‌آیند و اگرچه ماهیتی سیاسی دارد اما ظرفیت استانداردسازی و قاعده‌گذاری را در عرصه بین‌المللی دارد که نمود آن را در کردارنامه یا کد لاهه در سال 2000 میلادی می‌توان مشاهده نمود (شاکریان، 1392: 164 و 285).

با این توضیحات مشخص می‌شود که رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات و مخصوصاً رژیم کنترل فناوری موشکی یکی از صورت‌های مبین حقوق نرم است که در پی محدود کردن رفتار و اقدام دولت‌ها از طریق محدود کردن قدرت انتخاب

1- از جمله واژه‌هایی که در متون مختلف می‌توان به‌عنوان نشانه و قرینه‌ای بر این دانست که این رژیم در زیر مجموعه حقوق نرم است، ترکیباتی است چون:

1- Informal and Voluntary regime,

2- informal political arrangement,

3- Memorandum and not legally binding and represents a voluntary acceptance (Oznobishev, 2008: 4).

آنها آن‌هم به‌صورت داوطلبانه و غیر الزام‌آور و بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه تحریم برای نقض رژیم است (Oznobishev, 2008: 1)؛ که این خود از نشانه‌های موفقیت حقوق نرم در زمینه قانون‌گذاری به‌شیوه‌ای بسیار ملایم است که حتی توانسته تا حساس‌ترین مسائل دولتی هم‌چون امنیت و مسائل استراتژیک را نیز در بر گرفته و تحت قواعد و قوانین هر چند داوطلبانه درآورد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به‌دنبال بررسی تاثیر حقوق نرم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قالب رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات بود و در این زمینه ناچار از بیان تعریف حقوق نرم و رابطه آن با حقوق سخت و رابطه بین رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات و حقوق نرم بود. بنابراین پس از بیان هر کدام از موارد ذکر شده، نتیجه این به‌عمل آمد که چون رژیم‌های چند جانبه کنترل صادراتی در قالب رژیم سخت معاهداتی نمی‌گنجد، این رژیم‌ها، یک رژیم سیاسی و برگرفته از اراده سیاسی کشورها بوده و بر اساس حقوق نرم تدوین و پایه‌گذاری شده‌اند؛ بنابراین رژیم‌های کنترل صادراتی جزء حقوق نرم به‌شمار می‌آیند. البته در پاسخ به آنهایی که بخواهند بیان دارند که مگر در معاهدات چیزی جز اراده دولت‌ها باعث شکل‌گیری و ادامه آنها می‌گردد و اگر اراده دولت‌ها نباشد اصلاً معاهده‌ای شکل و یا تداوم نمی‌یابد، پس رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات به‌طور کلی و رژیم کنترل فناوری موشکی به‌طور خاص چه تفاوتی با یک معاهده دارد؟ بر آیم؛ باید بیان داشت، درست است که اراده دولت‌ها شرط تحقق معاهده و حتی رژیم است اما نکته ظریف در این است که در معاهدات به‌دلیل الزام حقوقی و آثار و تبعات بعدی آن و ترس از مجازات‌های پیش‌بینی شده، دولت‌ها به‌نوعی بخشی از حاکمیت خود را نادیده گرفته و یا به‌نوعی واگذار می‌کنند و با عضویت در هر سازمان و معاهده جدید در واقع بخشی دیگر از حاکمیت دولت‌ها واگذار و از حاکمیت مطلق آنها کاسته می‌شود و این برای دولت‌هایی که جنگ‌های و استالیا را راه‌اندازی کرده تا به حاکمیت مطلق دست یابند گران و سخت است. در نتیجه در برخی موضوعات، مخصوصاً موضوعات با حساسیت بالا چون مسائل نظامی و موشکی که با امنیت ملی کشورها به‌طور مستقیم در ارتباط است و دولت‌ها بسیار بر روی آنها احساس خطر می‌کنند خواسته شود معاهده‌ای تدوین گردد تا به نظم بخشی امور کمک کند دولت‌ها نه تنها به عضویت در نیامده و با دیده تردید نگاه می‌کنند که ممکن است در پی جلوگیری و سنگ‌اندازی نیز برآیند. در نتیجه نمی‌توان در این‌چنین موضوعاتی دولت‌ها را به پای میز مذاکره و انعقاد معاهده آورد زیرا از قواعد الزام‌آور و آثار حقوقی پس از آنکه شامل واگذاری حاکمیت و نیز مجازات در صورت نقض مفاد است به شدن واهمه داشته و گریزان هستند.

اما در مقابل وقتی کشورها پندارند که رژیمی که قرار است ایجاد گردد نه تنها الزام حقوقی به معنایی که در فصل کاملاً توضیح داده شد ندارد، بلکه در صورت نقض آن هیچ آثار و مجازات عینی در انتظار دولت خاطی نیست، ضمن اینکه می‌توانند از کنار این رژیم‌ها فناوری‌های نظامی خود را افزایش دهند زیرا یکی از شروط و مفادی که معمولاً در رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات لحاظ می‌شود کمک به کشورهای عضو در راستای ارتقای توان دفاعی آنان است. در نتیجه دولت‌ها با میل بیشتری و طیب خاطر به این رژیم‌ها می‌پیوندند و دقیقاً اینجا معنای اراده سیاسی متفاوت از آن چیزی می‌شود که در معاهدات وجود دارد.

با این توضیحات سؤال پژوهش پیش‌رو به‌طور کامل پاسخ داده می‌شود که حقوق نرم در قالب‌های مختلف از جمله در بستر رژیم‌های چند جانبه کنترل صادرات بر امنیت ملی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران تاثیر گذار بوده است

اگرچه در چارچوب حقوق نرم غیر الزام‌آور حقوقی¹ بوده و قدرت‌های بزرگ برای آنکه بتوانند سایر دولت‌ها را ترغیب به عضویت در چنین رژیم‌هایی که امنیت ملی سایر کشورها مخصوصاً کشورهای در معرض خطر در نظام بین‌الملل را تهدید می‌کند، کنند به حقوق نرم روی آورده و دولت‌ها به عضویت آنها تن می‌دهند حال آنکه از قضا چنین رژیم‌هایی به مانند یک آبراه باریک در میان کوهسار بسیار با احتیاط پیش رفته و اگر چه ممکن است رسیدن به مقصد طولانی‌گردد اما حساسیت‌های راه و مقاومت‌های شکننده در طول زمان از میان رفته و ناگهان دولت‌ها با سازوکاری مواجه می‌گردند که باید از آن تبعیت کنند والا مجازات‌های سنگینی خواهند پرداخت و این اصل اساسی حقوق نرم است که آهسته اما پیوسته و استوار گام بر می‌دارد و با کاستن حساسیت دولت‌ها بر روی موضوعات سیاست اولی به حقوق سخت الزام‌آور منتج می‌گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1- Non-Legally Binding.

1. دهقانی، غلامحسین؛ هاشمی، فاطمه (1391)، «رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات؛ سازوکاری قانونی یا ابزار فشار سیاسی»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره اول، بهار، 101-137.
2. شاکریان، شاهرخ (1392)، شناخت حقوق نرم در نظام حقوق بین‌الملل، تهران: میزان

1. Lele, A. (Ed.). (2012). **Decoding the International Code of Conduct for Outer Space Activities**. Institute for Defence Studies & Analyses .
2. Aoki, S. (2006). **International Legal Cooperation to Combat Communicable Diseases: Hope for Global Governance**.
3. Eilstrup-Sangiovanni, M. (2007). **Varieties of cooperation: Government networks in international security** .
4. Fajardo, Teresa (2014), Soft law, oxford bibliographies from <http://www.oxfordbibliographies.com/view/document/obo-9780199796953/obo-9780199796953-0040.xml>
5. Grand, Camille (2013), The Hague Code of Conduct: 10 years of combating ballistic proliferation, **Non-Proliferation Monthly**, no 74, SPECIAL ISSUE 2013/1
6. Guzman, A. T. , & Meyer, T. L. (2010). International soft law. *Journal of Legal Analysis*, 2(1), 171-225 .
7. Jiang, L. (2009). **An evaluation of soft law as a method for regulating public procurement from a trade perspective** (Doctoral dissertation, University of Nottingham) .
8. Klock, K. A. (2013). The Soft Law Alternative to the Who's Treaty Powers. **Geo. J. Int'l L.** , 44, 821 .
9. Oznobishev, Sergey," **MISSILE PROLIFERATION AND MISSILE TECHNOLOGIES**", International Commission on Nuclear Non-proliferation and Disarmament, <http://www.icnnd.org> .
10. Shaffer, G. , & Pollack, M. A. (2011). **Hard versus soft law in international security** .
11. Terpan, F. (2015). Soft law in the European Union—the changing nature of EU law. **European Law Journal**, 21(1), 68-96 .
12. Trubek, D. M. , Cottrell, M. P. , & Nance, M. (2005). 'Soft Law,'Hard Law,'and European Integration: Toward a Theory of Hybridity .

13. Williamson Jr, R. L. (2003). Hard law, Soft law, and Non-Law in multilateral arms control: some compliance hypotheses. **Chi. J. Int'l L.** , 4, 59 .
14. Zerilli, F. M. (2010). The rule of soft law: An introduction. **Focaal**, 2010(56), 3-18.

